

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: اصلاح سیاست اقتصاد تک محصولی وابسته به نفت

نام و نام خانوادگی: فرشته علائی پور
استاد: دکتر سید محمد مستولی زاده

تعریف اقتصاد تک محصولی

اقتصاد تک محصولی در معنی عامه پسند خود یعنی متکی بودن درآمدهای یک اقتصاد به یک منبع درآمدی خاص، حال این منبع درآمد می تواند کالای تولیدی باشد و یا ماده اولیه، محصول کشاورزی و یا حتی نوعی صنعت که اقتصاد به آن وابسته باشد. یکی از این محصولات که کشورهای زیادی در دنیا به آن وابسته هستند، نفت و درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام و مشتقات آن است.

اقتصاد نفتی، اقتصادی است که برپایه‌ی درآمدهای نفتی ساخته شده باشد و هرگونه نوسان در درآمدهای نفتی، منجر به نوسانات محیط داخلی اقتصاد شود. بنابراین ممکن است کشوری از منابع نفتی غنی برخوردار باشد، اما در زمره‌ی کشورهای نفتی قرار نگیرد.

بنابراین اینکه صرفاً یک کشور دارای منابع غنی نفت خام باشد، دلیلی بر تک محصولی بودن اقتصاد آن کشور نیست، بلکه برخی کشورها مانند نروژ و یا ایالات متحده‌ی آمریکا و... دارای منابع غنی نفت خام هستند و از صادرکنندگان بزرگ این محصول محسوب می‌شوند، اما ساختار اقتصاد آن‌ها به‌گونه‌ای نیست که وابسته به درآمدهای نفتی باشند.

مسئله‌ی مهم در خصوص [این کشورها] از جمله نروژ که دارنده‌ی منبع طبیعی از جمله نفت هستند، این است که آنان اقتصاد ملی‌شان را مبتنی بر درآمدهای حاصل از نفت بنا نکرده‌اند. درآمدهای حاصل از فروش نفت را ذخیره و سرمایه‌گذاری کردند و سود حاصل از آن را در اقتصاد ملی هزینه کردند. دقیقاً برعکس کشور ما که بنیان اصلی اقتصادش درآمدهای نفتی است.

در یک اقتصاد برخوردار از منابع نفتی اما غیرنفتی، متغیرهایی مانند میزان صادرات، رشد اقتصادی، واردات و سایر متغیرهای کلان اقتصادی، با نوسانات درآمدهای نفتی دچار نوسان شدید نشده و از روند بلندمدت خود تبعیت می‌کنند. اما در اقتصادهای نفتی، متغیرهای کلان اقتصادی به‌شدت تحت تأثیر نوسانات اقتصادی است و همین وجه تمایزات است که کشورهای برخوردار از منابع نفتی، اما عدم وابسته به آن را از سایر کشورهای دارای منبع طبیعی متمایز می‌کند. بنابراین آنچه از آن به‌عنوان کشور نفتی یاد می‌شود، منظور کشورهایی است که بنیان اصلی اقتصادشان درآمدهای نفتی است.

مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت:

-دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست

-نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی

-استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور

-بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن

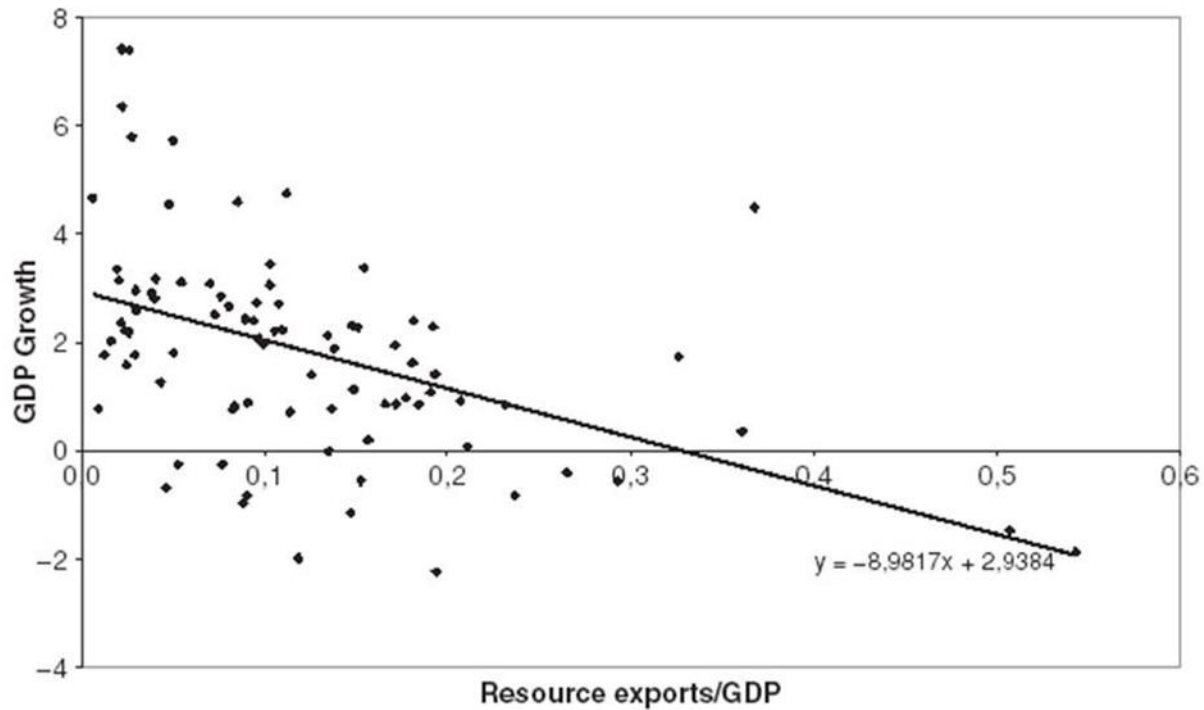
-عدم ثبات سیاستهای اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویتها و وجود هزینه‌های زائد در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی است.

تنها نکته مثبت آن می تواند این باشد که تا زمانی که این محصول خاص در اوج بازدهی خود است به رشد آن اقتصاد کمک می کند.

پیامد مشترک وابستگی به نفت برای کشورهای نفتی

نحسی منابع طبیعی:

براساس نرخهای رشدی که محاسبه شده، نصف جمعیت جهان در هر ده سال، درآمد خود را دوبرابر می‌کنند. این رشد درآمد سرانه به معنای رشد اقتصادی کشورها بوده و بنابراین در سال‌های اخیر با رشد اقتصادی کشورهای صنعتی و پدیدار شدن کشورهای صنعتی نوظهور، تقاضای جهان برای منابع طبیعی و به‌خصوص منابع معدنی و نفت، افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. به دنبال افزایش تقاضا برای این محصولات، قیمت مواد معدنی و به‌خصوص نفت خام نیز با افزایش چشمگیری مواجه بوده و از این رو، ارزش صادرات کشورهای نفتی، افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. در این شرایط، وضعیت برای کشورهای نفتی بسیار مناسب است. آن‌ها نفت را صادر می‌کنند و کالای نهایی را وارد می‌کنند. بنابراین همه‌ی کشورها می‌خواهند کالایی را بخرند که آن‌ها می‌فروشند و از طرف دیگر، همه می‌خواهند کالایی را بفروشند که آن‌ها می‌خرند.



رابطه‌ای میان رشد اقتصادی و نسبت صادرات منبع طبیعی به تولید ناخالص داخلی

طبق نمودار، رابطه‌ای منفی میان رشد اقتصادی و نسبت صادرات منبع طبیعی به تولید ناخالص داخلی وجود دارد و هرچه نسبت صادرات از تولید ناخالص داخلی افزایش پیدا کرده، رشد اقتصادی کاهش پیدا کرده است.

همان‌طور که ملاحظه شد، کشورهای نفتی با وجود برخورداری از یک منبع طبیعی که می‌تواند با درآمدزایی بالا، رشد اقتصادی را به‌همراه داشته باشد، نسبت به سایر کشورها که از این منبع برخوردار نبوده‌اند، رشدهای اقتصادی پایین‌تری را تجربه کرده و عملکرد ضعیف‌تری داشته‌اند

برای توضیح این پدیده (یعنی رشد اقتصادی پایین کشورهای نفتی) موارد متعددی ذکر می‌شود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها پدیده‌ی بیماری هلندی در این کشورهاست.

منطق حاکم بر بیماری هلندی به این صورت است که با افزایش تقاضا برای منبع طبیعی و به دنبال آن، افزایش قیمت‌ها، درآمد کشورهای صادرکننده‌ی منبع نفتی افزایش می‌یابد. این افزایش درآمدها موجب افزایش تقاضای داخلی آن کشور برای کالا و خدمات می‌شود. همچنین کشور صادرکننده به‌واسطه‌ی صادرات، دارای منابع ارزی سرشاری است. افزایش منابع کشورهای صادرکننده به‌طور معمول افزایش درآمد دولت‌ها را نیز در بر دارد و بنابراین موجب تورم می‌شود. این در حالی است که کالاهای قابل مبادله در این اقتصاد، همچنان به قیمت‌های جهانی مبادله می‌شوند.

بنابراین سطح قیمت این کالاها در سطح‌های قبلی باقی مانده و در مقابل شوک افزایش قیمت‌ها و رونق به‌وجودآمده به بخش‌های غیرقابل مبادله مانند، ساختمان و خدمات منتقل می‌شود که افزایش دستمزدها در این بخش را در پی دارد. افزایش دستمزد در این بخش‌ها موجب انتقال نیروی کار از بخش قابل مبادله‌ی صنعت و تولیدات کارخانه‌ای به بخش غیرقابل مبادله می‌شود.

سازوکارهایی که در بالا توضیح داده شد، موجب تضعیف بخش تولید و تقویت بخش خدمات می‌گردد و بنابراین تولید کالاها و تولیدات کارخانه‌ای در این اقتصاد کاهش می‌یابد و به‌جای آن، منابع به بخش‌هایی نظیر مسکن و ساختمان، خدمات و واردات انتقال می‌یابد. کاهش تولید کالاها در اقتصاد، کاهش رشد اقتصادی را به‌همراه دارد.

همچنین در این کشورها، هم‌زمان با افزایش درآمدهای نفتی، دولت‌ها تمایل زیادی به خرج کردن درآمدهای حاصل دارند. این امر موجب رشد پایه‌ی پولی و در نتیجه، تورم می‌شود. از طرف دیگر، دولت‌ها با افزایش واردات ارزان‌قیمت به‌واسطه‌ی نرخ ارز پایین نگه‌داشته‌شده، سعی دارند تا تورم را کنترل کنند. همین امر باعث می‌شود تا در زمان کاهش درآمدهای نفتی، تورم پایین نگه‌داشته‌شده به‌واسطه‌ی واردات ارزان‌قیمت، به‌یکباره رها شود و کشورهای نفتی در برخی موارد، نرخ‌های تورم بالا و دورقمی را تجربه کنند.

بیماری هلندی در ایران و راه حل برون رفت از آن

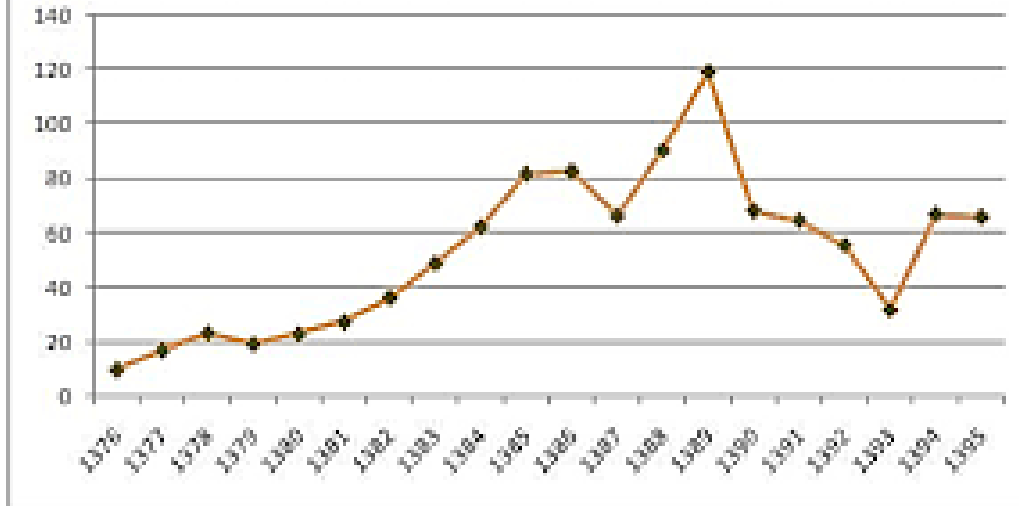
بیماری هلندی از سال ۵۳ با افزایش ناگهانی قیمت نفت و افزایش درآمدهای ارزی در ایران شایع شد و چون صنعت داخلی توان رقابت با سیل ورود کالاهای وارداتی را نداشت، صنعت کشور رو به زوال نهاد. مهم‌ترین راه‌حلهایی که برای درمان بیماری هلندی پیشنهاد می‌شود :

۱. تشکیل صندوق ذخیره ارزی حاصل از فروش نفت با هدف خودداری از ورود شوک‌وار درآمدها به اقتصاد

۲. افزایش قدرت رقابت بخش صنعت و کشاورزی

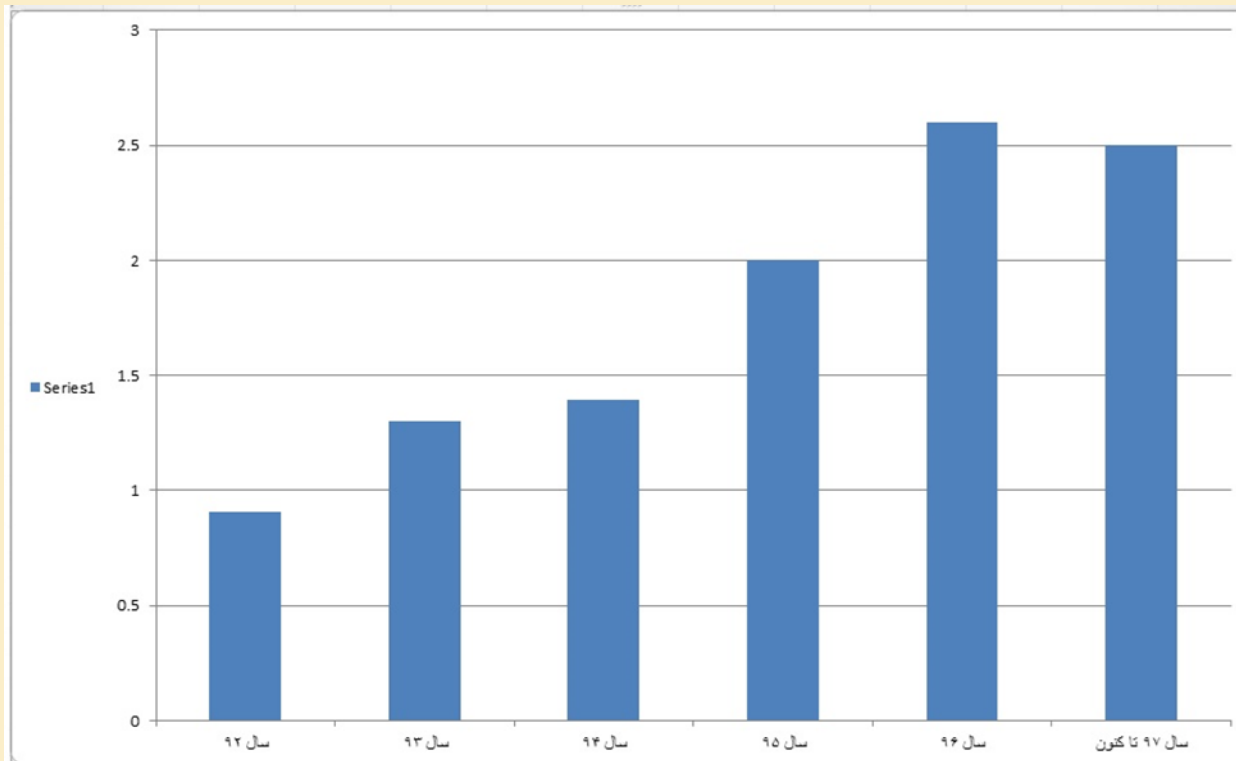
۳. سرمایه‌گذاری در جهت توسعه زیرساخت‌های بهداشتی، درمانی، صنعتی و آموزشی است که نه تنها منجر به افزایش نرخ تورم نمی‌گردد بلکه زمینه توسعه همه‌جانبه اقتصادی را فراهم می‌نماید.

درآمد نفتی ایران در بیست سال گذشته



نمودار درآمد نفتی ایران در بیست سال گذشته

همانطور که گفته شد، وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی موجب می‌گردد که با نوسانات شدید درآمدهای نفتی، مدیریت کلان مالی و اقتصادی کشور دچار اختلال شود. به خصوص در زمان کاهش درآمدهای نفتی، هزینه های جاری دولت انعطاف پذیری کمتری برای کاهش دارند و هزینه های عمرانی دولت بیشتر کاهش می یابد که دلیل آن هم چسبندگی بیشتر هزینه های جاری نسبت به عمرانی است که در نتیجه باعث طولانی شدن دوره ساخت پروژه های عمرانی می‌گردد.



نمودار صادرات نفتی ایران

چگونه اقتصاد بدون نفت را مدیریت کنیم

برای دستیابی به هدف افزایش سهم تولید ناخالص داخلی بدون نفت پیشنهادهایی مطرح می‌شود که در صورت اجرای با برنامه‌ریزی می‌تواند نقش کاربردی داشته باشد.

شیوه قیمت‌گذاری نفت و فرآورده‌های نفتی براساس مقتضیات و شرایط راهبردی کشور اصلاح شود. 1.

۲. سعی شود نفت در یک برنامه زمان‌بندی مشخص تا حد امکان به‌طور خام صادر نشود. این امر شوک‌های ناشی از نوسان‌های نرخ جهانی نفت خام را به کمترین میزان می‌رساند.

۳. درآمدهای ناشی از صادرات نفت و گاز در یک دوره زمانی مشخص (به‌طور مثال، ۵ یا ۱۰ ساله) با نرخ صعودی و تدریجی و در نهایت با ضریب ۱۰۰ درصدی به صندوق توسعه ملی واریز و در پروژه‌های سودآور برای افزایش ثروت کشور سرمایه‌گذاری شود.

۴. سیاست‌های تجاری (وارداتی و صادراتی) اصلاح و در راستای گسترش بازارهای داخلی و خارجی محصولات تولیدی داخلی بر مبنای مزیت هزینه با تحدید واردات کالاهای مصرفی دارای مشابه داخلی و افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای، صادرات کالاهای صنعتی و کالاهای با ارزش افزوده بالا و همچنین خدمات فنی-مهندسی، به‌ویژه به کشورهای همسایه، شریکان تجاری و بازارهای هدف اتخاذ شود.

۵. افزایش ظرفیت تولید، بهینه کردن مقیاس تولید و به‌دنبال آن کاهش هزینه تمام‌شده و همچنین کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در تولید جزو اولویت‌های بخش واقعی قرار گیرد.

۶. نیروی کار مهم‌ترین عامل موثر بر رشد تولید بر پایه مدل رشد برون‌زا در کشور است. بهره‌وری با تولید نهایی عامل سرمایه جایگاه پایین‌تری در رشد تولید در کشور دارد. این واقعیت به‌طور عمده ناشی از تزریق بالای سرمایه و بالا بودن استهلاک سرمایه‌های ثابت در ایران است؛ بنابراین تغییرات فناوریک به‌دنبال اجرای سیاست‌های هدفمندسازی یارانه‌ها (اصلاح وضعیت موجود) بر افزایش بهره‌وری تولید، تولید نهایی سرمایه و نیروی کار و در نهایت بهره‌وری کل عوامل تولید موثر خواهد بود.

7. اصلاحات ساختاری در قوانین کار، دستمزدها و نظام تامین اجتماعی در کشور به‌طور جدی و عملیاتی در دستور کار قرار گیرد.
8. افزایش نقش سرمایه انسانی در بخش تولید به بهبود عملکرد تولید و دستیابی به نرخ‌های بالا در شاخص‌های اقتصادی کمک خواهد کرد.
9. به انجام سرمایه‌گذاری‌های لازم در زیرساخت‌ها با مشارکت مستقیم بخش خصوصی از طریق اعطای یک خط اعتباری از سوی بانک‌ها و بازارهای سرمایه کشور توجه جدی شود.
10. به رشد برنامه‌های تحقیق و توسعه در تمامی سازمان‌ها با حمایت دولت و از طریق استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در کشور توجه شود.
11. صنعت گردشگری به‌منظور افزایش درآمدهای ارزی و رشد اشتغال و تولید در کشور به‌عنوان یک امر ضروری و فوری در تمام سطوح اجرایی و عملیاتی و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در سراسر کشور توسعه پیدا کند.
12. افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در بخش تولید کمک شایانی به ایجاد اشتغال، رشد سرمایه‌گذاری و تولید و همچنین تقویت پول ملی خواهد کرد. البته تحقق این امر مستلزم دیپلماسی فعال خارجی با هدف حذف و کاهش موانع سیاسی، مقرراتی و حقوقی در مسیر جریان‌های ورودی سرمایه به کشور است.

اما نمونه راهکارهایی که برای رهایی اقتصاد از منابع نفتی و قطع وابستگی بودجه به نفت وجود دارند عبارتند از:

۱. لزوم جداسازی درآمد نفت از حساب بودجه و التزام به هزینه‌کرد آن فقط در جهت سرمایه‌گذاری مولد

۲- پرهیز از واردات بی‌رویه و بازگشت به سیاست تولید داخل (خودکفایی – حداقل در محصولات اساسی و راهبردی)

۳- ارتقای بنیان‌های تولید و کمک به تغییرات استراتژی تولید از نفتی به تولید تجاری و دانش‌پایه، به‌خصوص در بخش کشاورزی

۴. سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی متخصص، متعهد و عملگرا و حمایت مستمر از پژوهش‌های کاربردی

توجه به به سرمایه انسانی و تولیدات دانش محور می تواند کلید اصلی مبارزه با تحریم های خارجی و کاهش وابستگی به درآمدهای حاصل از فروش نفت باشد.

جهت خروج از شرایط فعلی بایستی در صدر تمامی سیاست گذاری ها تحریک سرمایه گذاری(اعم از داخلی و خارجی) قرار داشته باشد که جز از طریق ثبات اقتصادی و سیاسی امکان پذیر نخواهد بود. بنابر این بحث اقتصاد بدون نفت، بدون فراهم آوردن و تکمیل زیرساخت های لازم جهت سرمایه گذاری ممکن نیست

۵- مسئله پنجم اجرای سیاست های انقباضی است. در سال های اخیر از یک سو اعمال سیاست های انبساطی پولی و مالی که علل عمده آن ریشه در تزریق دلارهای نفتی به اقتصاد جهت تأمین کسری بودجه دولت و به ویژه تأمین مالی پروژه مسکن مهر بوده است و از سوی دیگر افزایش قیمت مواد اولیه ناشی از وضع تحریمها سبب بروز تورم شتابان شده است که از راههای کنترل آن در پیش گرفتن سیاست های انقباضی است.

۶- استقلال بانک مرکزی و کنترل نقدینگی

انتشار پول موجبات کاهش ارزش پول ملی را فراهم ساخته است بنابراین استقلال بانک مرکزی و برخورداری دولت از انطباط مالی از اهم موضوعات است

۷- سرمایه گذاری در بازارهای پولی و مالی خارجی و ایجاد محیط جذاب سرمایه گذاری در کشور جهت جلب سرمایه گذاران خارجی از راههای مختلف مثل اتخاذ سیاست مالیاتی حمایتی و ارائه معافیت های مختلف به سرمایه گذاری و انباشت سرمایه، شفاف سازی حمایت های مالیاتی از بخش های مختلف و... در دستور کار قرار گیرد.

۸- اصلاح نظام مالیاتی و شناخت مودیان مالیاتی، اجرای طرح هدفمندی یارانه ها، در نظر گرفتن مشوق‌های صادراتی از طریق ارائه معافیت مالیاتی به درآمد حاصل از برخی فعالیت‌ها مثل صادرات کالاهای غیرنفتی، اولویت هشتم است. بسیاری از شرکت‌ها و نهادها و واردکنندگان اساسی، مالیات پرداخت نمی‌کنند و درآمدهای مالیاتی کشور بسیار محدود است. ما باید پایه‌های مالیاتی جدید تعریف کنیم. و همچنین جلوی فرارهای مالیاتی را بگیریم.

۹- هماهنگی کامل بین سیاست‌گذاران کشور و مدیران اقتصادی

استقلال اقتصاد از درآمدهای نفتی نیازمند همکاری تمام دستگاه‌ها، نهادها، سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و حتی برخی نهادهای خصوصی است و عزم راسخ و اراده محکم در راستای برنامه‌ریزی صحیح و اجرای آن حیاتی است.

در جمع بندی نهایی باید گفت با در نظر گرفتن اقتصاد مقاومتی به عنوان مدل متناسب با اقتصاد ایران، نمی‌توان راهکار سرمایه‌گذاری در بورسهای بین‌المللی را، راهکار کاهش وابستگی اقتصاد به نفت خام برشمرد؛ بلکه باید از نفت به عنوان ابزاری در جهت وابسته‌سازی کشورهای منطقه و کشورهای همسو و تعریف همکاری‌های اقتصادی در پروژه‌های پربازده و با اولویت در کشورهای هدف بهره برد و با تمرکز بر منابع نفتی مشترک و توسعه صنایع پالایشگاهی و پتروشیمی از هدررفت بخش عظیمی از سرمایه‌های کشور جلوگیری نمود.

با تشکر از توجه شما
